روزنامه شرق

زنانی که رعب و وحشت در دل «داعش» انداختند

دوشادوش مردان جنگ

«پس از آنکه رفت، او را بیشتر می‌بینم، هرروز صبح به او سلام می‌کنم. داعش نتوانست مرا از «رنگین» محروم کند. او شعله‌ای شد که همچنان راهم را روشن می‌کند. تعجب نکنید؛ این عجیب نیست که فرزندان الگوی پدر و مادرشان شوند...». اینها حرف‌های سرهنگ دوم «نسرین» است. او همراه دخترش، رنگین، در جمع هنگ زنان پیشمرگه در جنگ علیه داعش بود. نسرین یک پایان بزرگ را روایت می‌کند و می‌گوید فداکاری‌های مردم کردستان کم نیست. بااین‌حال هدف، بزرگ است و بهترین فرزندان در راه آزادی قربانی می‌شوند زیرا اهداف بزرگ، فرزندان بزرگ می‌طلبد.

نسرین، دخترش، سروان «رنگین یوسف»، را به یاد می‌آورد. او معاون فرمانده هنگ در نیروهای پیشمرگه‌ای بود که در محور کرکوک - داقوق مستقر هستند. نخستین روز عید قربان؛ یعنی چهارم اکتبر سال ۲۰۱۴ در جریان جنگ با تشکیلات داعش بود که ترکش خمپاره به سرش اصابت کرد. این درگیری‌ها با سلاح سنگین و در خط جبهه «درکازا» جریان داشت. داعش با خمپاره‌های سنگین حمله کرده بود. او اولین شهید نیروهای پیشمرگه در جنگ با داعش بود. نسرین اضافه می‌کند: رنگین یک دختر شجاع و باجسارت بود. وقتی قرار شد بخشی از نیروهای زنان پیشمرگه در جبهه‌های مقدم در جنوب کرکوک حاضر شوند و علیه داعش بجنگند او طبق عادت همیشگی‌اش آماده نبرد شد و رفت. بعد از جنایت شنگال و به‌بردگی‌کشیدن دختران ایزدی، رنگین مانند بقیه پیشمرگه‌ها در نبرد علیه داعش دیگر تردیدی به خود راه نمی‌داد. رنگین آن زمان فقط ۲۳ سال داشت و مادر دو کودک بود، اما با همان سن کم توانسته بود به مقام معاون فرمانده هنگ برسد که ۵۰۰ رزمنده را دربر می‌گرفت.

دلاوران کردستان

او ادامه می‌دهد: «زنان کردستان شجاعتشان کمتر از مردان نیست. شرکت یک زن کُرد در صفوف پیشمرگه به چند دهه پیش بازمی‌گردد. آنها در اکثر انقلاب‌های مربوط به کردستان حضور داشته‌اند. سال ۱۹۷۹ بود که خود من به نیروهای پیشمرگه پیوستم و به‌همراه همسرم برای جنگ علیه نظام دیکتاتوری «صدام» سلاح برداشتم. تا امروز این سلاح از من جدا نشده است. رنگین در چنین فضایی و با این اصول بزرگ شد. هرچند او از پدر و مادرش جلو افتاد و در فداکاری از ما پیشی گرفت».

نسرین داستانش را این‌طور خاتمه می‌دهد: «من با او در جبهه بودم. وقتی از سایر رزمندگان درباره رنگین می‌شنیدم که از او تعریف می‌کردند احساس خوشبختی می‌کردم. می‌گفتند ترس به دل او راه ندارد. مهارت او در تک‌تیراندازی مافوق مردان بود. هیچ نبرد واقعی‌ای بدون زنان به پیروزی نمی‌رسد». نسرین با لبخندی تأکید دارد که «این زیباست که برای زندگی و علیه مرگ به شهادت برسیم». رنگین، به‌همراه ده‌ها نفر دیگر از مبارزان کرد در جهان به یک معما تبدیل شدند. قدرت فوق‌العاده آنها در مقابله با گروه تروریستی داعش زبانزد همگان شد. دلاوری‌های آنها کنجکاوی رسانه‌های جهانی را برانگیخت. به‌همین‌دلیل درباره آنها ده‌ها مقاله، تحقیق و گزارش‌های شورانگیز نوشته شد.

اما مسلح‌شدن زنان در بین کردها امری عجیب نیست، بلکه با مراحل حرکت آزادی‌خواهانه آنها تناسب دارد. سروصدای داعش و پروپاگاندای رعبی را که به راه انداخته بود، نتوانست جلو زنان رزمنده کُرد را برای مقابله بگیرد. خطر برای موجودیت خود بزرگ‌تر از خطر از داعش و تروریسم وحشیانه‌اش بود. در عمل زنان رزمنده کرد جسارت و مهارت رزمی فوق‌العاده‌ای در مقابله با داعش از خود نشان دادند.

سلاح در خدمت اندیشه برابری

تاریخ اولین تشکل رسمی نیروهای ویژه زنان در اقلیم کردستان به سال ۱۹۹۶ برمی‌گردد؛ زمانی که یک هنگ آموزش‌دیده زنان در استان «سلیمانیه» با تصمیم «جلال طالبانی» و تحت نام «هنگ زنان» تشکیل شد. برای کشف جزئیات این تجربه خبرنگار «المجله» به اردوگاه « فرماندهی نیروهای ۷۰» در استان سلیمانیه رفت. در آنجا یک هنگ زنان در اردوگاه حضور داشتند. فرمانده هنگ، سرهنگ «ناهید احمد رشید»، دراین‌باره توضیح داد: «هسته اولیه گردان زنان پیشمرگه در یازدهمین روز یازدهمین ماه سال ۱۹۹۶ تشکیل شد و این به معنای ورود زنان به مرحله جدیدی از مبارزه‌شان بود، اما مشارکت زنان کرد در صفوف نیروهای پیشمرگه پیش از تشکیل این گردان نیز سابقه داشت. آنها در اغلب انقلاب‌های کردی طی تاریخ گذشته از جمله سپتامبر ۱۹۶۱ و قیام سال ۱۹۹۱ حضور داشتند. زنان کرد از ۲۰ سال پیش دوش‌به‌دوش مردان به‌عنوان یک نیروی نظامی مشغول مبارزه هستند. آنها امروزه آماده‌اند تا برای انجام وظایف خود به هرجایی در هر زمانی اعزام شوند. این آمادگی پس از طی دوران آموزشی مختلف و فنون رزمی و آموزش استفاده از سلاح‌های مختلف به دست آمده است. در دوره‌های آموزشی آنها تجربه زیادی کسب کرده و دروس نظری و عملی را در کنار آموزش‌های مربوط به کمک‌های اولیه فراگرفته‌اند.

رشید تأکید دارد: «حمل سلاح برای ما فقط به‌منظور جنگ نیست، بلکه این قلمی برای انتشار تفکر برابری‌خواهی بین مردان و زنان هم هست. ازاین‌رو یکی از مأموریت‌های گردان ما انتشار همین آگاهی است».

رشید اضافه می‌کند که زنان پیشمرگه در بسیاری از برنامه‌های اجتماعی از جمله فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، حقوق‌بشری و کمک به گروه‌های مختلف جامعه نیز حضور دارند. او می‌گوید: «باید اشاره کنم این اردوگاه تاکنون جوایز و تقدیرنامه‌های زیادی برای ارائه کمک‌ها دریافت کرده است. کمااینکه اردوگاه ما تاکنون کمک‌های مالی فراوانی به خانواده‌های فقیر در سلیمانیه و دانش‌آموزان کم‌درآمد کرده است یا به خانواده‌های عربی از جمله سوری‌ها که به منطقه ما مهاجرت کرده‌اند. همه اینها در چارچوب برنامه‌های انسان‌دوستانه زنان پیشمرگه بوده است».

زنان داوطلب

سرهنگ رشید می‌گوید رزمندگان زن ابتدا به جهت ذهنی و روحی برای جنگ با داعش آماده می‌شوند. اینها در کنار آموزش‌های نظامی است. مدرسان نظامی از نیروهای ائتلاف بین‌المللی بر دوره‌های آموزشی گردان ما نظارت دارند. از برخی از شرکت‌کنندگان تقدیر و به آنها جوایزی اعطا می‌شود. در بسیاری از زمینه‌ها مدرسان غربی به آنها مدال و گواهی‌نامه می‌دهند. آنها اعتراف می‌کنند که توانمندی زنان در مواردی از مردان هم بیشتر است. آموزش‌ها معمولا با استفاده از انواع سلاح‌های سبک، متوسط و سنگین صورت می‌گیرد. رتبه‌ها در هنگ ما از سرباز شروع شده و به گروهبان و افسر منتهی می‌شود. بالاترین رتبه‌ای که زنان به آن رسیده‌اند سرهنگی است.

او ادامه می‌دهد: «با شروع حمله داعش به اقلیم کردستان، گردان زنان در نیروهای پیشمرگه تصمیم گرفت با این تشکیلات تروریستی مقابله کرده و شبح داعش را از منطقه دور کند. زنان زیادی به‌عنوان داوطلب آمدند. این روند همچنان ادامه دارد. شرایط مطلوب برای پیوستن یک زن همان شروطی است که برای یک مرد در نظر گرفته می‌شود. وظیفه هنگ ما حفاظت از تعدادی از مناطق در سلیمانیه است. گروهی از آنها هم به «البشیر» و منطقه تازه در «کرکوک» فرستاده شدند. کما اینکه یک گروه دیگر را به «جلولاء»، «خانقین» و «موصل» اعزام کردیم. در گاردهای مرزی هم مأموریت‌هایی داشته‌ایم. حضور ما در نقاط بازرسی نیز چشمگیر است و از برخی بیمارستان‌ها، بانک‌ها و اماکن مخصوص زنان هم حراست می‌کنیم».

فداکاری ملی

رشید به نیروهای داعش اشاره کرده و می‌گوید: «آنها از جنگ با زنان می‌ترسند. از اینکه به دست زنان کشته شوند هراس دارند. چون اعتقاد دارند اگر یکی از آنها به دست زنی کشته شود، هرگز وارد بهشت نخواهد شد. ازاین‌رو از جنگ با ما می‌ترسند، اما نیروهای ما آمادگی کامل دارند تا با تمام قوا با آنها مقابله کنند. با آنها در چند جبهه می‌جنگند و تاکنون قربانیانی نیز در صحنه نبرد با داعش داده‌ایم. داعش پیغام‌های تهدیدآمیزی برای نیروهای پیشمرگه فرستاد».

داستان داعش با زنان کرد تنها منحصر به عراق یا سوریه یا ترکیه نمی‌شود، بلکه زنان پیشمرگه در همه‌جا حضور داشته و از حقوق خودشان دفاع می‌کنند. یکی از زنان رزمنده می‌گوید نیروی زنان بخشی اساسی از شاخه نظامی نیروهای پیشمرگه است. آنها از یک‌سو با داعش نبرد و از سوی دیگر برای آزادی سرزمین خودشان مبارزه می‌کنند

سرهنگ «ناهید احمد رشید»، فرمانده این هنگ، تأکید دارد زنان کردی بهای زیادی برای انتخاب این راه داده‌اند. نسل‌هایی از زنان بودند که روی کوه‌ها زندگی کردند و شرایط سختی را پشت‌سر گذاشتند. آنها زندان و مهاجرت را تجربه کردند. به گفته او: «آنها به دو دلیل رنج کشیدند؛ یکی به دلیل اینکه در یک جامعه مردسالار زندگی می‌کردند مانند سایر جوامع اطراف ما و دیگری هم به‌خاطر فداکاری در راه آرمان‌های قومی‌شان».

تشکیلات داعش نوامبر سال ۲۰۱۴ زنان پیشمرگه کرد را تهدید کرد که آنها را خواهند ربود و با آنها ازدواج خواهند کرد. در پیغام داعش آمده بود که آنها باید سلاحشان را زمین بگذارند وگرنه اسیر خواهند شد، اما رزمندگان کرد گفتند آماده‌اند با این تهدیدها مقابله کنند. از آن به‌بعد هر رزمنده زنی یک گلوله مخصوص خودش دارد تا در موقع اسیرشدن از آن استفاده کند.

توسعه یک تجربه

به‌جای اینکه تهدید داعش موجب وحشت زنان کرد شود، این تهدیدها به صورت جدی نهادهای نظامی در اقلیم کردستان را به فکر فرو برد تا از توانمندی و اراده زنان کرد بیشتر استفاده کنند. دانشکده‌های نظامی در اقلیم افزایش پیدا کرد تا بتوانند زنان را آموزش دهند. در اقلیم کردستان، دو دانشکده نظامی «زاخو» و «قلعه گولان» وجود دارد که برای آموزش افسران از هر دو جنس است. «جلال شیخ ناجی»، مسئول استخبارات نظامی زنان پیشمرگه، می‌گوید: «ما توانستیم تجربه هنگ زنان پیشمرگه را توسعه دهیم تا نه‌تنها در عراق، بلکه در کل منطقه بی‌نظیر باشد. این امر از طریق وابسته‌کردن آن به مدیریت کل استخبارات ممکن شد تا آنها بتوانند تجاربی به‌لحاظ اطلاعات نظامی هم داشته باشند. این تقریبا تخصصی است که تابه‌حال منحصر به مردان بوده است». درباره اهمیت حضور زنان در مأموریت‌های اطلاعاتی در جنگ با داعش، او می‌گوید: «همه می‌دانیم که زنان توانمندی‌های متعددی دارند. به‌خصوص در زمینه اطلاعات نظامی، آنها روحیه‌ای عالی دارند. آنها در صحنه‌های نبرد با داعش هم بسیار شورانگیز عمل می‌کنند. انگیزه آنها برای جنگ با داعش هرگز کمتر از مردان نبوده است. دائم آنها را در جبهه‌های مقدم می‌بینیم. بعد از آموزش‌هایی که دیده‌اند آنها آمادگی کامل را برای نبرد دوش‌به‌دوش برادرانشان دارند. در دو سال گذشته آنها تجربه و مهارت زیادی به‌دست آورده‌اند». درباره تفاوت آموزش‌های زنان و مردان یا مأموریت‌هایی که به آنها واگذار می‌شود، شیخ ناجی می‌گوید: «اینها آموزش‌های یکسانی می‌بینند؛ چه در زمینه اطلاعاتی و چه رزمی. این آموزش‌ها از طریق نیروهای ائتلاف یا دوره‌های اطلاعاتی به آنها داده می‌شود». در بین زنان داوطلب برخی فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها از جمله دانشکده نظامی قلعه گولان هستند، اما بااین‌حال می‌آیند و در صفوف نیروهای پیشمرگه ثبت‌نام می‌کنند. او می‌افزاید: «ما رزمنده بی‌سواد نداریم، چراکه تحصیل در داخل گردان نیز استمرار و مدیریت تربیتی سلیمانیه بر آن اشراف دارد».

انتقام

در شنگال، روح مقاومت زنان بالاست و با سلیمانیه و زاخو برابری می‌کند. شنگال جنگ‌های متعددی با داعش داشت. «رسیا واجین» که یک زن ایزدی است و فرماندهی نیروهای حمایت زنان در شنگال را برعهده دارد، می‌گوید: «جرائم داعش در شنگال طوری بود که زمین رنگ خون گرفت. شنگال صحنه فجیع‌ترین جنایات داعش علیه زنان بود».

این زن که هم‌اکنون در جبهه موصل مشغول نبرد با داعش است، می‌افزاید: «داعش می‌داند که رزمندگان کُرد ترجیح می‌دهند بمیرند تا اینکه عزتشان لکه‌دار شود. ما از اسرای آنها نحوه زندگی رزمندگان کرد را شنیدیم. برای مثال گفتند پیروان ساسون که یک پیشمرگه زن بود، بعد از اینکه مجموعه افرادش کشته شدند، خودش هم با آخرین گلوله به حیات خود خاتمه داد تا اسیر داعش نشود. در نبردهای کوبانی یکی از زنان با رفتن به میان نیروهای داعش خودش را منفجر کرد. در همین شهر زنان با داعش جنگیدند و همین باعث کشته و زخمی‌شدن تعداد زیادی از نیروهای داعش شد. آنها دچار وحشت شده بودند. هربار زنی را با تفنگ می‌دیدند می‌ترسیدند و از جنگ با او پرهیز می‌کردند چون اعتقاد داشتند که مردن به دست یک زن آنها را از ورود به بهشت محروم می‌کند». او درباره اینکه چرا داوطلب نبرد با داعش شده، می‌گوید: «بعد از جنایت شنگال، احساس کردم دلم می‌خواهد انتقام بگیرم؛ انتقام خواهرانم که به دست این جنایت‌کاران ربوده و بعد کشته شدند. حمایت از مرزهای شرف و دفاع از خاک شنگال یک وظیفه مقدس برای ما شده است». ما اول تحت عنوان «انتقام زنان ربوده‌شده ایزدی» کارمان را شروع کردیم و توانستیم جنوب شنگال را آزاد کنیم. این حرکت تاکنون توانسته بسیاری از روستاها را آزاد کند و زنان و کودکان ربوده‌شده را نجات دهد. او با یادآوری دوسال گذشته می‌گوید: «زنان ایزدی بزرگ‌ترین قربانی حملات وحشیانه داعش شدند. هنوز هم زنانی هستند که در دست داعشی‌ها اسیرند. ما به مقاومت خود تا آزادی کامل آنها ادامه می‌دهیم. ما از سال ۲۰۱۴ تصمیم گرفتیم خشم پنهان در دلمان را به یک نیروی رزمی تبدیل کنیم و برای پیروزی بجنگیم. ما در نبردهای زیادی شرکت کردیم و باز هم شرکت خواهیم کرد. ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که زنان ایزدی را در بازارهای برده‌فروشی موصل فروختند. حالا صدها زن ایزدی سلاح برداشته و به ما ملحق شده‌اند».

داستان داعش با زنان کرد تنها منحصر به عراق یا سوریه یا ترکیه نمی‌شود، بلکه زنان پیشمرگه در همه‌جا حضور داشته و از حقوق خودشان دفاع می‌کنند. یکی از زنان رزمنده می‌گوید نیروی زنان بخشی اساسی از شاخه نظامی نیروهای پیشمرگه است. آنها از یک‌سو با داعش نبرد و از سوی دیگر برای آزادی سرزمین خودشان مبارزه می‌کنند. هزاران نفر از این زنان به دست مستشاران آمریکایی و اروپایی آموزش دیده‌اند. این یک برنامه بین‌المللی برای حمایت از رزمندگان کرد در استان کرکوک و «توزخورماتو» بوده است. آنها آموزش سلاح و مواد منفجره را دیده‌اند؛ این گروه هم‌اکنون در استان کرکوک مستقر هستند و گروهی هم بعد آموزش دیدند که در شرق موصل مستقرند.

عشق به آزادی

نبرد با داعش تمایلات زنان کرد را برای مقاومت تشدید کرد. در سه سال گذشته چند دوره افسران زن در بین نیروهای پیشمرگه فارغ‌التحصیل شده‌اند که موجب تشکیل چندین گردان زنان شده است. یکی از اینها نیروهای «زروانی» و دیگری تحت نام «دختران خورشید» فعالیت می‌کنند. مارس سال ۲۰۱۶ حدود ۲۰۰ افسر کرد در زمره نیروهای پیشمرگه فارغ‌التحصیل شدند. این اتفاق بعد از آموزش‌های نظامی آنها با سلاح‌های سبک و سنگین بود. آنها نخستین گروه از افسران زن کرد را تشکیل می‌دادند که آموزش‌های خود را در انواع رزم‌ها و تاکتیک‌های نظامی جدید تکمیل می‌کردند.

ژوئن ۲۰۱۶ گروه جدیدی از زنان ایزدی در نیروی «دختران خورشید» فارغ‌التحصیل شدند که جزء نیروهای پیشمرگه در منطقه «بیشخاپور» بودند. این هنگ نظامی زنانه حدود ۵۰۰ داوطلب ایزدی دارد که همه آموزش‌دیده و قادر به حمل سلاح برای دفاع از مناطقشان هستند. این برتری نظامی و اراده زنانه موجب می‌شود که نسرین باوجود دردی که نسبت به فراق دخترش، رنگین، دارد به آینده خوش‌بین باشد. همین امید است که به «واجین» باوجود سرخوردگی ایزدی‌ها امید می‌دهد و او را به تلاش بیشتر در راه مبارزه‌اش برای نجات از داعش و برای کسب آزادی وامی‌دارد.

حضور زنان کرد در صحنه‌های نبرد معمایی است که بسیاری را در جهان حیران کرده است. آنها کنجکاوانه می‌پرسند: «چرا زنان کرد عاشق سلاح هستند؟»، شاید بهترین جواب به این پرسش این باشد که «راز عشق این زنان به آزادی چیست؟»

منبع: المجله

یادداشت

روزهای خوب و بد یک رئیس‌جمهور

«باراک اوباما»، آمدنش با امید پیوند خورده بود و رفتنش با نگرانی. او هشت سال وقت داشت تا ایده‌های خود را عملی کند. کارش را از آسمانخراش‌ها در شیکاگو شروع کرده بود. ایده‌ها و برنامه‌های بسیاری در سر داشت؛ ایده‌هایی که حکایت از یک آمریکای نوین داشتند. او بر آن بود که آمریکایی عادلانه‌تر و رنگین‌تر بسازد، اما بسیاری از این ایده‌ها در پایان دوران زمامداری‌اش روی کاغذ ماندند و عملی نشدند و او در واپسین هفته‌ها همه تلاش خود را به کار گرفت تا جلو زیان بیشتر را بگیرد.

نگرانی اصلی او در این واپسین لحظات آن بود که «دونالد ترامپ»، جایگزینش، بسیاری از دستاوردهای او را نیست‌ونابود کند. اوباما به‌عنوان مرد عمل، حلال مشکلات و یک فرد انسان‌دوست پا به کاخ سفید گذاشته بود و حال با نگرانی‌های بسیاری کاخ سفید را ترک کرد. در عرصه سیاست خارجی، کارنامه اوباما، هم حکایت از موفقیت‌های بزرگ دارد و هم از ناکامی‌ها. مهم‌ترین دستاورد دولت اوباما در عرصه سیاست خارجی، توافق هسته‌ای با ایران است. دومین موفقیت سیاست خارجی دولت اوباما ازسرگیری مناسبات دیپلماتیک با کوبا بود، اما اوباما در خاورمیانه سیاست ناموفقی از خود به نمایش گذاشت. مذاکرات صلح بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان بی‌نتیجه ماندند. از سوی دیگر، پایان حضور نظامی آمریکا در عراق منجر به گسترش نفوذ نیروهای تروریستی و از جمله تقویت «داعش» در این کشور شد. سیاست‌های ناپیگیر اوباما در سوریه باعث افزایش نقش روسیه در این کشور شد. اوباما ابتدا بشار اسد را تهدید به حمله نظامی کرده بود؛ سیاستی که عملا اجرا نشد. بسیاری از منتقدان سیاسی اوباما بر این باورند که در اثر خطاهای سیاسی اوباما در سوریه، دولت این کشور با کمک روسیه و ایران موفق شده بر بسیاری از مخالفان خود چیره شود و کنترل دولتی را بر بسیاری از نقاط و از آن جمله بر حلب احیا کند.

بحران اوکراین نیز باعث سردی و تیرگی مناسبات آمریکا و روسیه شد. تیرگی مناسبات دو کشور در جریان کارزار انتخاباتی آمریکا به اوج خود رسید. آمریکا روسیه را متهم به حملات هکری کرده و مدعی است که این کشور در انتخابات آمریکا مداخله کرده. اوباما در واپسین روزهای زمامداری خود تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه تصویب و در همین رابطه اقدام به اخراج ۳۵ دیپلمات روسیه از خاک کشور خود کرد. مهم‌ترین پیروزی اوباما در عرصه نبرد با تروریسم، کشتن رهبر القاعده بود. در ماه می ۲۰۱۱ در جریان یک حمله برنامه‌ریزی‌شده، آمریکا موفق به کشتن «اسامه بن‌لادن» شد، اما شبکه القاعده پس از آن نیز به‌عنوان یک جریان تروریستی به حیات خود ادامه داد. پس از آن بود که گروه تروریستی داعش اعلام موجودیت کرد و به خطر اصلی برای کشورهای غربی بدل شد. دولت اوباما برای مقابله با داعش از پهپاد بهره گرفت، اما حملات پهپادها باعث کشته‌شدن شماری از نیروهای غیرنظامی شد و ازاین‌رو انتقادهای بسیاری در پی داشت. یکی از وعده‌های دولت اوباما، بستن زندان گوانتانامو بود. اوباما در مدت زمامداری خود موفق به اجرای این برنامه نشد؛ اما شمار زندانیان گوانتانامو در این مدت کاهش یافت و از ۲۴۲ زندانی به ۵۵ زندانی رسید.

نگاه

بحرانی به نام «کردستان عراق»

مبارزه علیه گروه تروریستی «داعش» در موصل توجه را از مشکلات فراوان اقلیم کردستان عراق منحرف کرده است؛ مشکلاتی که ثبات پس از جنگ را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد. تنها در چند ماه گذشته یک روزنامه‌نگار کُرد ترور شده است، یک دانشجوی دانشگاه قربانی قتل «ناموسی» شد، یک نماینده زن کُرد پارلمان تهدید به مرگ شد، در دفتر یک حزب کرد انفجاری روی داد که هفت کشته برجای گذاشت و چندین حمله تروریستی در استان سلیمانیه خنثی شدند. این حوادث در کنار تظاهرات هرروزه کارمندان دولت برای اعتراض به حقوق پرداخت‌نشده، پارلمان تعلیق‌شده، افزایش روزافزون تعداد پناهندگان و آوارگان داخلی، حضور بیشتر حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و حملات هوایی ترکیه به پایگاه‌های پ‌ک‌ک در شمال عراق اتفاق افتاده‌اند. این اتفاقات نه‌تنها بسیاری از دستاوردهای دولت اقلیم کردستان از سال ۲۰۱۱ را به شکست تبدیل کرده‌اند، بلکه باعث شده‌اند تا اقلیم کردستان در مقابل فروپاشی مالی و درگیری‌های داخلی آسیب‌پذیر باشد.

سناریوی واقعی‌تر از «استقلال اجتناب‌ناپذیر کردی» پس از شکست داعش، خودمختاری تضعیف‌شده، بی‌نظمی سیاسی و درگیری‌های مسلحانه است. حکومت اقلیم کردستان صادرات «مستقل» نفت را در سال ۲۰۱۴ آغاز کرد، اما اقتصاد کردها اکنون از هم پاشیده است. بدهی‌های حکومت اقلیم کردستان به بیش از ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. میزان دسترسی به برق به سطح دسترسی برق در سال ۲۰۰۵ یا حدود چهار ساعت در روز در بسیاری از مناطق بدون ژنراتور خصوصی، کاهش یافته است. ده‌ها هزار نفر از جوانان در حال مهاجرت از این اقلیم هستند. گسترش روزافزون نفوذ پ‌ک‌ک در شمال عراق به این بحران‌ها دامن می‌زند و مبارزات قدرت در میان کردها را افزایش می‌دهد. علاوه بر پایگاه پ‌ک‌ک در کوه‌های قندیل، درحال‌حاضر گروه‌هایی از نیروهای آن در کوه‌های سنجار مستقر شده‌اند تا از اقلیت ایزدی‌ها در برابر حملات آینده داعش محافظت کنند و این منطقه استراتژیک را به کنترل خود درآورند. درحالی‌که اتحادیه میهنی کردستان (PUK) و گوران از پ‌ک‌ک پشتیبانی یا آن را تحمل می‌کنند، مقامات حزب دموکرات کردستان (KDP) تهدید کرده‌اند که احتمالا از قوه قهریه برای خارج‌کردن پ‌ک‌ک از سنجار استفاده خواهند کرد. آنکارا نیز هشدار داده است در صورتی که نیروهای پیشمرگه نتوانند پ‌ک‌ک را از سنجار بیرون کنند در فصل بهار در سنجار مداخله خواهد کرد.

درواقع، اندیشیدن به درگیری‌های مسلحانه میان کردها یا بی‌ثباتی احتمالی به‌سختی قابل‌تصور است. از زمان چهار سال جنگ داخلی کردها (۱۹۹۴-۱۹۹۸) تاکنون شرایط بسیار بهتر شده است. اقلیم کردستان از لحاظ اقتصادی توسعه یافته، از نظر سیاسی بالغ‌تر شده و به‌عنوان بخشی از یک دولت فدرال عراق در مجامع بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در مبارزه با داعش به یک شریک محلی کلیدی تبدیل شده است. اگرچه احزاب کردی با هم دچار تنش هستند، بااین‌حال خطرات ناشی از خشونت پایدار برای مقامات حکومت اقلیم کردستان، که در منطقه عمیقا دچار مشکلات مالی هستند، بسیار بالاست. بااین‌حال، بخشی از بحران کنونی خارج از کنترل دولت منطقه‌ای کردستان است و با وضعیتی که منجر به جنگ داخلی کردستان شد تفاوت چندانی ندارد. خروج بغداد از منطقه کُردی شمال پس از جنگ ۱۹۹۰ خلیج فارس و تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق باعث شد تا حکومت تازه‌تأسیس اقلیم کردستان نتواند حقوق کارمندان دولت را پرداخت و صدها هزار پناهنده کرد را اسکان و روستاهایی را که در عملیات انفال نابود شده بودند، بازسازی کند. اگرچه معامله‌گران وابسته به احزاب سیاسی کردی راه‌های خلاقانه‌ای برای شکستن تحریم‌ها و دستیابی به سود پیدا کردند، بااین‌حال اکثریت کردها فقیر بوده و به کمک‌های بین‌المللی متکی بودند.

همچنین میان اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بر سر رهبریت و دسترسی به درآمدها و منابع، جنگ قدرت وجود داشت. این تنش‌ها باعث ورود ترکیه و احزاب کرد رقیب، از جمله پ‌ک‌ک، به منطقه شد؛ اتفاقی که بسیار شبیه به وضعیت کنونی است. در آن زمان، به‌عنوان‌مثال، حزب دموکرات کردستان برای کنترل شورش قدرتمند پ‌ک‌ک در جنوب‌شرقی ترکیه و ضمانت درآمد قاچاق در مرز خابور، مذاکرات تجاری و امنیتی با ترکیه انجام داد. درمقابل، آنکارا- برای دنبال‌کردن نیروهای پ‌ک‌ک در آن‌سوی مرز ترکیه- از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۷ چندین عملیات نظامی برون‌مرزی را انجام داد. در یکی از این عملیات‌ها، ۳۵هزار سرباز ترکیه، ۳۷ مایل به داخل خاک اقلیم کردستان نفوذ کردند.

اکنون این الگوها در منطقه کردستان در حال تکرارشدن هستند. اگرچه حکومت اقلیم کردستان و مقامات احزاب کردی از درگیری‌های داخلی بسیار متضرر خواهند شد؛ بااین‌حال ممکن است گروه‌های دیگر از این وضعیت متضرر نشوند و از کشور ضعیف عراق، جمعیت خشمگین و بی‌ثبات بهره ببرند. علاوه‌براین، درحالی‌که حکومت اقلیم کردستان روزبه‌روز بیشتر به آنکارا وابسته می‌شود، اما مشکل کردهای ترکیه حل‌نشده باقی مانده است. کردهای سوریه خواهان استقلال هستند و پ‌ک‌ک نفوذ خود را گسترش می‌دهد و حکومت اقلیم کردستان مشکل فرامرزی با پ‌ک‌ک را به ارث خواهد برد. پ‌ک‌ک، به‌نوبه خود، تلاش خواهد کرد تا از خلأ سیاسی روزافزون در صحنه اقلیم کردی عراق استفاده کند؛ جایی که بسیاری آن را یک حزب ناسیونالیست کرد معتبر می‌دانند. پ‌ک‌ک و دیگر گروه‌های افراطی برای کشورهای منطقه که به دنبال مقابله با قدرت حزب دموکرات کردستان بارزانی و ترکیه هستند، مفیدند. این تنش‌ها که کنترلی بر آنها وجود ندارد، به تضعیف رشد اقتصادی و ثبات داخلی منطقه کردستان - حتی پس از آزادی موصل- و توانایی حکومت اقلیم کردستان به‌عنوان یک شریک مؤثر منطقه‌ای برای شکست داعش، ادامه خواهد داد. باید توجه جدی‌تری به تقویت نهادهای دولتی عراق، از جمله حکومت اقلیم کردستان و سازمان‌های استانی، تنوع اقتصادی، تقسیم درآمد میان بغداد و اربیل، امنیت مرزی و روابط بین آنکارا، بغداد و حکومت اقلیم کردستان صورت گیرد. باید برای حل مسئله پ‌ک‌ک در شمال عراق نیز اقدام کرد و از جمله این اقدامات، ایجاد آتش‌بس با آنکارا و حل مسائل کردی در ترکیه و سوریه است.

منبع: خبرگزاری کردپرس